

راه کارهای عملی

حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی

تدوین حسن طاهر دل

بسمه تعالی
فهرست مندرجات

صفحه	شرح
۱	مقدمه
۳	فصل اول : پیش نیاز ها و زیر ساخت ها
۳	موارد مورد نظر
۴	توضیح
۵	فصل دوم : مفهوم تولید ملی و گستره تولید
۵	الف) بخش کشاورزی
۵	ب) بخش صنعت
۶	ج) بخش معدن
۶	چگونگی حمایت از تولید ملی
۸	تکلمه بحث و تولید از منظر دیگر
۹	فصل سوم : کار
۱۰	فصل چهارم : سرمایه ایرانی
۱۲	کلام آخر

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

مقدمه

نامگذاری سال ۱۳۹۱ به عنوان سال « حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی » از سوی مقام معظم رهبری قطعاً " تصمیمی بجای و نشأت گرفته از ژرف نگری و هوشمندی بوده است که می طلبد ارکان نظام و آحاد ملت (هر بخش و هر فرد در حد توان) لیبیک عملی به این دعوت بگویند .

انجمن فارغ التحصیلان مدیریت دولتی که مجموعه ای از مدیران جمهوری اسلامی را در بر دارد و در واقع تجربیات ارزنده سال های دفاع مقدس ، سازندگی و پس از آن را یکجا گردآورده است ، با درک مسوولیت خطیر خود و فراخوان اعضای انجمن ، این امکان را فراهم کرده است که تجربیات گذشته در جهت ارائه راه کارهای عملی برای تحقق این مهم بکار گرفته شود .

نگارنده این مقاله به عنوان عضوی کوچک از این مجموعه در پاسخ به این فراخوان تلاش دارد با استعانت از حضرت باریتعالی و بهره گیری از بضاعت ناچیز خود در این جهت گامی - ولو کوچک و اندک - بردارد . چرا که این اندوخته ها متعلق به این ملک و ملت است و باید به سرچشمه اصلی خود برگردانده شود .

بنابراین به مصداق « کم کردن از تعارف و افزودن بر مبلغ » تنها با ذکر چند نکته ضروری به موضوع اصلی می پردازم .

۱ - حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی در واقع باید به عنوان یک روند دایمی و به عنوان یک راهبرد همیشگی مد نظر قرار گیرد و امری نیست که به یک سال یا یک مقطع زمانی خاص محدود گردد .

۲ - آنچه در سطور آینده پیش رو قرار می گیرد ، همه مسأله نیست و طبعاً " همه ابعاد اجرایی موضوع را دربر ندارد و این کمبود ناشی از دو عامل است :

اولاً " بضاعت ناچیز نگارنده . ثانیاً " محدوده زمانی تعیین شده برای ارائه مطلب با توجه به گستره و اهمیت موضوع .

لذا تلاش شده است اهم مواردی که به نظر می رسد ، صرفاً " فهرست وار و بدون توضیحات تفصیلی ارائه گردد .

۳ - با توجه به آنچه که در بند ۲ ذکر گردید ، برای اقدامات عملی تکیه بر آمار و مستندات از یک سو و همچنین پژوهش و متعاقب آن کار کارشناسانه از سوی دیگر از ضروریات اجتناب ناپذیر حرکت است و در مقاله ذکرش نرفته است . عدم ذکر این دو مقوله مهم که از لوازم اصلی و توشه راه است به مفهوم مغفول ماندن آنها نیست . براین اساس در اقدامات عملی به هر دو موضوع پرداخته خواهد شد . نکته دیگر اینکه به هر حال در طول سال ها اقدامات مؤثری - هرچند ناکافی - نیز در این خصوص صورت گرفته است که نباید بی اعتنا از کنار آن گذشت .

۴ - تردیدی نیست که « حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی » در کنار سایر اقدامات در جریان یکی از ارکان اصلی بقا و اقتدار ملی و نظام جمهوری اسلامی است و می تواند الگوی عملی یک نظام متکی به تعالیم الهی ، منسجم ، مستحکم و با اقتدار را پیش روی جهانیان قرار دهد .

۵ - در تنظیم این سطور صرفاً " مصالح نظام جمهوری اسلامی ، رهنمودهای مقام معظم رهبری و کار کارشناسی مدنظر بوده است و اگر در مواردی نقدهایی صورت گرفته ، این نقدها فارغ از گرایشات سیاسی و صرفاً " در جهت حفظ امانت و رعایت موازین کارشناسانه بوده است .

با توجه به موارد یاد شده و با استعانت مجدد از خداوند قادر متعال و سپاس از همه کسانی که چنین زمینه ای را برای شکل گیری این نوشتار فراهم کرده اند ، عاجزانه از ذات اقدس باریتعالی مسئلت دارم که با لطف و عنایت لایزال خویش همه این تلاش ها را به سرمنزل مقصود برساند و فرجام کار را چنان کند که او خشنود گردد و ما رستگار شویم .

ان شاء الله

فصل اول : پیش نیازها وزیر ساخت ها

پیش نیاز ، زیر ساخت ، لوازم ، الزامات و واژه مهم نیست . برای اینکه به دور از شعار بتوانیم نامگذاری را اجرایی کنیم مقدماتی لازم است . تقدّم و تأخّر در ذکر موارد ناشی از ترتیب اهمیت نیست . همچنین ذکر آنها به مفهوم عدم امکان دستیابی به هدف نباید تلقی شود .

موارد مورد نظر :

۱- نگرش سیستمی به موضوع . به نحوی که یک تصمیم اثر تصمیم دیگری را خنثی نکند و همه عوامل و اجزا در خدمت هدف اصلی بسیج شوند .

۲- اتفاق آرا و اراده قوای سه گانه و سایر ارکان تصمیم سازی و تصمیم گیری نظام در تحقق این مهم و انجام تکالیف خود در این زمینه « علی قدر مراتبهم »

۳- آزادسازی اقتصادی علاوه بر خصوصی سازی واقعی . آنچه که تا کنون صورت گرفته است ، فاصله اش با سیاستهای ابلاغی به حدی است که مقام معظم رهبری به مناسبت های مختلف ، عدم رضایت خود را پنهان نفرموده اند . ضمناً وقتی سخن از آزادسازی اقتصادی به میان می آید نباید به مفهوم « هرج و مرج » اقتصادی تلقی شود . جایگاه این معنا در علم اقتصاد تعریف شده است .

۴- قانونگرایی همه ارکان نظام و پرهیز از برداشت های سلیقه ای

۵- وفاداری به اسناد بالا دستی مانند سند چشم انداز و برنامه های پنج ساله مصوب .

۶- عدم دخالت دولت در مسایل کوچکتر و سپردن کارها به مردم در مفهوم واقعی آن

۷- جلوگیری از رانت خواری و پرهیز از اعطای حق ویژه به افراد و نهادها خارج از چارچوب های قانونی

۸- امنیت قضایی

۹- امنیت سرمایه گذاری

۱۰- پرهیز از تنش های بی دلیل و غیر منطقی در سیاست خارجی . این امر به مفهوم کوتاه آمدن از ارزش ها و منافع ملی نیست . بلکه حرکت براساس همان سه اصل « حکمت ، عزت و مصلحت » است .

۱۱- برخورد نرم افزاری با ورود کالاهای قاچاق علاوه بر اقدامات در جریان و اصلاح رفتارها و برخوردهای فعلی

۱۲- قانونمند کردن واردات و جلوگیری از واردات بی رویه کالا و بازنگری در جدول تعرفه های عوارض گمرکی و سود بازرگانی کالاهای وارداتی . اگر به فهرست کالاهای وارداتی نیک بنگریم ، این واقعیت تلخ رخ خواهد نمود که بسیاری از کالاهای وارداتی نه نیاز واقعی جامعه ما ، بلکه ناشی از نیازهای کاذب اقلشاری خاص است که در صورت عدم پاسخگویی چندان مشکلی را در جامعه موجب نمی شود . به دور از واقعیت نخواهد بود که عدم ورود این نوع کالاها از سویی موجب مهار نیازهای کاذب و از سوی دیگر موجب پرداخت هزینه های مربوطه توسط متقاضیان محدود - و صد البته مرفه - آن گردد که این عین عدالت است .

توضیح :

هریک از موارد مذکور و مواردی که به دلیل محدودیت به آنها اشاره نگردید قطعاً متکی بر مستندات و دلایل است و نیاز به توضیح دارد که در جای خود امکان شرح و تفصیل خواهد داشت .

فصل دوم : مفهوم تولید ملی و گستره تولید

تولید ملی تولیدی است که ناشی از توانایی ها ، استعداد و کار ایرانی ها و در محدوده جغرافیایی کشور ایران قابل تحقق باشد .

اما گستره تولید در تقسیم بندی بخش های اقتصادی محدوده بسیار گسترده ای را شامل می شود . در یک تقسیم بندی ساده گستره تولید شامل سه بخش : کشاورزی ، صنعت و معدن است . اما در مفهوم تفصیلی علاوه بر آنکه هر یک از بخش های ذکر شده شامل تقسیمات گسترده ای است ، تقسیمات هر یک از بخش ها نیز به نوبه خود زیر مجموعه های وسیعی را در بر دارد که طبعاً " در این محدوده نمی گنجد . در اینجا صرفاً " به تقسیمات کلی بخش ها بسنده می شود .

الف) بخش کشاورزی :

- ۱- الف) کاشت ، داشت و برداشت کلیه محصولات زراعی اعم از کالاهای اساسی ، غلات ، حبوبات ، میوه ها ، گیاهان دارویی ، گل های تزئینی و ...
- ۲- الف) دامپروری و فعالیت های جانبی آن
- ۳- الف) پرورش طیور اعم از مرغداری ، ماکیان و سایر پرند ها
- ۴- الف) پرورش شتر و شترمرغ (به ویژه در بخش هایی از کشورمان که با کمبود آب مواجه هستند)
- ۵- الف) پرورش جانورانی که ارزش غذایی ندارند ولی ارزش صادراتی دارند
- ۶- الف) پرورش زنبور عسل
- ۷- الف) پرورش کرم ابریشم
- ۸- الف) شیلات ، ماهیان و آبزیان و استحصال نعمت هایی که منشاء آن ها دریای خزر و خلیج فارس است .
- ... - الف)

ب) بخش صنعت :

- صنایع از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است :
- ۱- ب) از نظر حجم فعالیت و فناوری بکار گرفته شد مانند صنایع مادر ، صنایع سنگین ، صنایع کوچک ، صنایع دستی و
 - ۲- ب) از نظر نوع فعالیت مانند صنایع غذایی ، نساجی ، دارویی و
 - ۳- ب) صنایع بالادستی و پایین دستی
 - ۴- ب) صنایع تبدیلی
 - ۵- ب) صنایع معدنی
 -- ب)

ج) بخش معدن :

منظور از بخش معدن کلیه فعالیت هایی است که منجر به استحصال مواد ذخیره شده از دل زمین می گردد . معادن نعمت های خدادادی و البته متعلق به همه نسل هاست که استخراج و مصرف عواید حاصل از آنها باید تابع قانونمندی خاصی باشد که در سطور آینده به آن خواهیم پرداخت . بدیهی است که بخش معدن از نفت و گاز گرفته تا طلا ، نقره ، مس ،

سنگ های ساختمانی و تزئینی ، اورانیوم و ... را شامل می شود . صنایع عظیم پتروشیمی و همچنین بخش بالادستی و پایین دستی صنعت نفت و گاز از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در تدوین راهبرد تولید ملی بدان پرداخته خواهد شد .

چگونگی حمایت از تولید ملی :

اشاره اجمالی به تقسیم بندی بخش تولید اگر چه مستقیماً" به موضوع بحث ارتباطی ندارد ، اما برای پرداختن به « بایدها» و « نبایدها » ی حمایت از تولید ملی ، لاجرم می باید به آن پرداخته می شد . با این مقدمه کوتاه به بررسی موضوع می پردازیم .

۱ - در بین کارشناسان معروف است که ایران سرزمین کم آبی است . اما این بدان معنا نیست که استعداد کشاورزی نداشته باشد . برخی محصولات کشاورزی به نام ایران ثبت شده و با نام ایران شناخته شده است . از این رو باید برای احیای صادرات فعال محصولاتی مانند زعفران ، پسته ، خرما ، گردو ، بادام و .. برنامه ریزی شود .

۲ - برای تولید کالاهای اساسی به ویژه محصولاتی از بخش کشاورزی که به نحوی در تأمین غذای اصلی مردم ایران نقش اساسی دارند ، برنامه ریزی و به صورت گسترده کشت و تولید شود . غلات و حبوبات در این بخش از اهمیت خاصی برخوردارند .

۳ - هر استان کشور بر اساس استعدادهای خاص خود به یک یا چند محصول اساسی اختصاص پیدا کند و مازاد به خارج از استان و خارج از کشور صادر گردد . در این راستا پرورش و تولید گیاهان دارویی و استفاده صحیح از گیاهان خودروی از این نوع نباید مورد غفلت واقع شود . تنظیم بودجه هایی که هر استان را به خودکفایی و افزایش تراز پرداخت برساند ، تصمیمی اساسی خواهد بود .

۴ - حتی در استان های کویری و کم آب نیز پرورش گیاهان مناسب و همچنین پرورش شتر و شترمرغ و صنایع کوچک مربوط به آنها می تواند در برنامه ریزی های کلان منظور گردد .

۵ - باید هریک از استان های کشور با توجه به استعدادهای خاص خود به قطب کشاورزی محصول یا محصولاتی خاص و صنایع کوچک مربوطه تبدیل شود به نحوی که حتی در صورت محاصره اقتصادی قادر به اداره امور خود و نهایتاً خودکفا باشد . در رابطه با دامپروری نیز همین سیاست (تبدیل استان های مستعد به قطب دامپروری) باید در دستور کار باشد .

۶ - پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل به صورت گسترده (به ویژه در استان های مستعد) در دستور کار قرار گیرد .

۷ - میوه و سردرختی های مورد نیاز برای مصرف داخلی و صادرات به خارج از کشور و راه اندازی صنایع تبدیلی به طور جدی در دستور کار قرار گیرد . مازاد میوه ها به صورت خشک و کنسانتره می تواند به صادرات اختصاص داده شود .

۸ - نقش صنایع دستی کشور به ویژه فرش در صادرات جهانی احیا شود .

۹ - سهم کشور در استان هایی که دسترسی به دریا دارند در رابطه با استحصال آبزیان در برنامه های توسعه و در بودجه کشور منظور و برای دستیابی به ظرفیت واقعی برنامه ریزی گردد .

۱۰ - علاوه بر موارد مذکور در بند ۹ ایجاد مزرعه های پرورش ماهی و میگو در استان های مستعد می تواند علاوه بر افزایش تولید آبزیان و ایجاد امکان برای فعالیت صنایع مرتبط ، الگوی مصرف مواد پروتئینی کشور را نیز تغییر دهد .

۱۱ - علاوه بر گسترش صنایع کوچک تولیدی و برداشتن قید و بندهای قانونی و اداری برای فعالیت بخش خصوصی به ویژه جوانان تحصیل کرده و مستعد ، در ایجاد و تقویت صنایع مادر و صنایع سنگین ، اولویت به بخش هایی اختصاص یابد که بیشترین امکانات بالقوه و بالفعل در کشور وجود دارد .

۱۲ - در هدایت تسهیلات بانکی به سمت تولید بجای فراهم کردن فضای تبلیغاتی و شعارهای بی محتوای تجربه شده در گذشته ، چهار اصل اهلیت ، صلاحیت فنی و تخصصی ، ظرفیت و کشش مالی و نهایتاً "قدرت و تضمین بازپرداخت

مدنظر قرار گیرد. و اولویت به کسانی داده شود که در سلامت کار و بازپرداخت تسهیلات بانکی امتحان خود را پس داده اند. همچنین بجای طرح های بلند پروازانه، اختصاص تسهیلات به راه اندازی کارگاه های راکد و طرح های نیمه کاره که توجیه اقتصادی دارند و اصلاح فناوری (به روز رسانی) آنها صورت گیرد.

۱۳- زیر ساخت های حمل و نقل های جاده ای و ریلی برای تسهیل جابجایی محصولات کشاورزی و دامی فراهم و در اختیار تولید کنندگان باشد.

۱۴- کلیه درآمد های حاصل از نفت، گاز و سایر معادن - بجای مصرف در امور جاری - باید پشتوانه توسعه و سرمایه گذاری قرار گیرد. صندوق «توسعه ملی» یا «ذخیره ارزی» و یا هر نام دیگر باید چنان تحت کنترل باشد که به راحتی مصرف نشود و قوانین و مقررات اصولاً "جرات و اجازه حیف و میل ندهد. در رابطه با توسعه حوزه های نفت و گاز باید اولویت به حوزه های مشترک داده شود. یعنی همان حوزه هایی که همسایگان بدون حساب و کتاب سهم ما را نیز برداشت می کنند

تکلمه بحث و تولید از منظر دیگر :

معمولاً "تولید نرم افزار های رایانه ای، مدیریت، آموزش، فعالیت پژوهشی در زمینه های علمی و... در طبقه بندی بخش های اقتصادی، در زمره خدمات جای می گیرند. ولی واقعیت این است که وقتی از تولید ملی و حمایت از آن سخن می رود، باید به این دسته از فعالیت ها که اتفاقاً "فرهیختگان و جوانان ما خلایق و استعداد های شگرفی در این زمینه ها از خود بروز می دهند، به چشم تولید ملی نگریست. چرا که از یک سو خودکفایی علمی و نرم افزاری کشور را موجب می شوند و از سویی دیگر امکان صدور و بهره گیری از آنها در خارج از کشور نیز میسر است و می تواند منشاء اقتدار علمی کشور شود. پس شایسته است که به این مهم نیز عنایات کافی مبذول گردد.

فصل سوم: کار

مقام معظم رهبری در همین سال ۱۳۹۱ و در برخی دیگر از سخنرانی‌ها به کرات به موضوع «بهبود فضای کسب و کار» اشاره فرموده‌اند. حمایت از «کار» و به طور کلی «کارگر» ایرانی با توجه به موارد ذیل میسر می‌گردد. با این توضیح که در اینجا مراد از کار و کارگر در مفهوم مصطلح آن نیست. بلکه هر آنکس که با بهره‌گیری از اندیشه، دست و نیروی بدنی خود عملی و بازدهی را محقق می‌سازد که موجب افزایشی در آنچه موجود است می‌شود، عمل او نوعی «کار» است و صاحب کار «کارگر» تلقی می‌شود. در این تعریف کارمند، کشاورز، معلم، دانشمند، نویسنده و... می‌توانند «کارگر» نامیده شوند.

واما موارد مورد نظر به طور اجمالی و فهرست وار:

۱- اصلاح فرهنگ تقابل و جدال بین صاحبان کار و سرمایه و کارگر و کارفرما. گاه در برخی فضاهای ملتهد و تش لود، تفکرات مارکسیستی حتی از زبان مؤمن ترین افراد نیز ناخودآگاه تکرار می‌گردد. فرهنگ جامعه اسلامی احترام به حقوق متقابل بجای دامن زدن به تضادهای بی پایه و اساس و شعاری است.

۲- بازنگری و اصلاح در قوانین مربوط به کار و کارگر و کارفرما و حذف مواردی که با نفس تقویت تولید مغایرت دارد

۳- ایجاد امنیت شغلی برای صاحبان کار و ایجاد امنیت فعالیت و تقویت فضای احترام به کارآفرینان

۴- تقویت فرهنگ کار بجای دمیدن روحیه تن پروری

۵- بازنگری تعطیلات رسمی کشور و حذف تعطیلات غیر ضروری

۶- تقسیم یارانه بر اساس میزان کار ارائه شده توسط افراد حتی در مورد افرادی که به ظاهر توانایی کارکردن ندارند.

۷- حذف شاغلان از مسوولیت های متعدد و جایگزینی آنها با افراد فاقد شغل

۸- تقسیم و در اختیار قراردادن امکانات شغلی و فرصت های کاربرای همه به دور از تفکرات شخصی و به دور از

اعمال تبعیض های ناروا و بر اساس استعدادها، دانش و توانمندی های اندیشه ای و تخصصی.

۹- هدایت صاحبان مشاغل کاذب به سمت مشاغل مولد مورد نیاز جامعه

۱۰- مبارزه با فرهنگ تکذبی گری و متکذبان حرفه ای

۱۱- بکار گماردن و به عبارت دیگر بهره گیری از توان فکری و جسمی همه افراد حتی در زندان ها و مراکز بهزیستی

۱۲- تعریف شناسنامه کاری برای همه آحاد جامعه به نحوی که نقش هر فرد در تولید جامعه اعم از نرم افزاری و

سخت افزاری مشخص باشد.

فصل چهارم: سرمایه ایرانی

وقتی سخن از «سرمایه ایرانی» به میان می‌آید، باید توجه داشت که سرمایه فقط در پول و دارایی های منقول و غیرمنقول خلاصه نمی‌شود. بلکه خود انسان ایرانی از نظر اندیشه و حضور در تولید ملی سرمایه تلقی می‌شود و از طرفی هر فرد ایرانی که حتی در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران دارای سرمایه های مادی و معنوی است، می‌تواند در این محاسبه منظور گردد. کما اینکه دیگرانی که به هر نحوی امکانات خود را در داخل مرزهای ایران بکارگرفته اند می‌توانند این بار با دیدی دیگر و از منظری دیگر مورد بررسی قرار گیرند. تعریف مفاهیمی در علم اقتصاد مانند «تولید ناخالص ملی» و «تولید

ناخالص داخلی « قابل تعمق است . بدیهی است که در این مرحله نیز اشاراتی اجمالی و فهرست وار به اهم لوازم تحقق این امر می شود .

۱ - اصلاح فرهنگ و اصلاح دیدگاه جامعه در خصوص سرمایه داران و کار آفرینان و تأکید دایمی بر این نکته که سرمایه های مشروع نه تنها ضد ارزش نیست ، بلکه محترم و ارزشمند است .

۲ - فراهم آوردن امنیت سیاسی ، قضائی ، اقتصادی برای سرمایه های انسانی و مادی

۳ - حذف خط قرمزهای ساختگی و سلیقه ای برای فعالیت های اقتصادی به نحوی که جز شرع و قانون و پرداخت به موقع مالیات نباید خط قرمز دیگری برای فعالیت افراد تعریف گردد . حتی در مواردی که قوانین جاری دارای مشکلات دست و پا گیر هستند باید باتوجه به نیازهای جامعه اصلاح گردند . در این دیدگاه فقط احکام شارع مقدس و شرع مقدس اسلام تنها خط قرمز برای صاحبان سرمایه و محدوده فعالیت آنهاست .

۴ - پرداخت یارانه تولید بجای یارانه مصرف

۵ - کمک های دولتی (یارانه تولید) با دادن اولویت به بخش های تولیدی راکد و طرح های نیمه تمام (در صورت موجه بودن طرح از نظر اقتصادی ، فنی و مالی)

۶ - اصلاح فناوری و تغییر موضوع تولید در رابطه با طرح های راکد و نیمه تمام فاقد توجیه اقتصادی ، فنی و مالی به نحوی که هیچگاه از حمایت سرمایه ها غفلت نشود و بخش های مولد نیز به بخش های غیر مولد تبدیل نگردند .

۷ - جمع آوری سرمایه های کوچک راکد توسط بانک ها در قالب گواهی سپرده خاص برای تولید و اعمال کنترل های لازم برای مصرف این سرمایه ها در همان جهت به عنوان پشتوانه اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا و در عین حمایت از سرمایه ایرانی.

۸ - هدایت تسهیلات بانکی به سمت تولید در قالب ابلاغ سیاست های پولی و نظارت دولت بجای دخالت و معرفی مستقیم افراد . توضیح اینکه اگر بانک ها خود طرح ها را انتخاب کنند به مشتریانی که طرح آنها دارای توجیه اقتصادی ، فنی و مالی است ، اعطای تسهیلات نمایند ، هم ضریب امکان استفاده صحیح از منابع بالا خواهد رفت و هم بانک ها برای مشکلات احتمالی پاسخگو خواهند بود و دولت نیز امکان نظارت سیستماتیک تر خواهد داشت .

۹ - فروش اوراق مشارکت در تولید توسط دولت برای سرمایه گذاری های کوچک و بزرگ طرح های عظیم مانند نفت ، گاز و . . . توضیح و تأکید بر دو نکته ضروری و کنترل آن بر دستگاه های نظارتی است . اولاً عواید حاصل از فروش نفت و گاز همواره صرف سرمایه گذاری شود . ثانیاً " دولت موظف باشد اوراق مشارکت ذکر شده را بجای مصرف جاری - تحت هر شرایط - در سرمایه گذاری بکار گیرد .

کلام آخر

آنچه ذکر شد نه همه راه حل های اجرایی برای این موضوع مهم بود و نه با توجه به محدودیت زمانی ، فرصتی برای تحلیل و استدلال . مستندات هم در این مقال محدود مجال ارائه نیافتند و نگارنده خود بیش از دیگران آگاه به کمبودهاست و بر آن اذعان دارد

این سطور تنها لبیکی بود به یک فراخوان و واکنشی بود در جهت عمل به یک وظیفه اسلامی و ملی در پاسخ به دعوت عالی ترین مقام کشور که نگارنده را اگر بضاعتی - هرچند اندک - است ، پس از عنایات الهی مرهون همین ملک و ملت و مدیون انقلاب و جمهوری اسلامی است .

تردید نیست که نه آن دعوت و نه آن فراخوان و نه این چند سطر و چند صفحه در یک محدوده زمانی محصور نیستند و نگارنده نیز در هر زمان و مکان فارغ از سودای « نام » و « نان » برای همکاری در اجرایی کردن امر اعلام آمادگی می کند . اما در یک کلام از نظر این بنده « حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی » ضامن بقا و اقتدار ملی است و حرکتی است که اگر به درستی هدایت و اجرا شود ، حرکتی رو به جلو و برگشت ناپذیر و همواره با نیرویی افزایشنده خواهد بود . از درگاه خداوند قادر متعال عاجزانه استعانت می طلبیم و توفیق ادب می جوئیم .

« خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار »